

# تحقق حق توسعه در عصر جهانی شدن

تالیف:

محمد رضا غائبی

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۹

## فهرست نویسی

سرشناسه: غائبی، محمدرضا، ۱۳۴۹-

عنوان و نام پدیدآور: تحقق حق توسعه در عصر جهانی شدن / تألیف: محمدرضا غائبی [برای] مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.

شابک: ۲- ۹۵۷- ۳۶۱- ۹۶۴- ۹۷۸

بها: ۵۸۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابخانه.

موضوع: حق بین‌المللی

موضوع: توسعه - حق - قوانین و مقررات

شناسه افزوده: ام-رولند، بنیامین، ۱۹۰۴-۱۹۷۳م، ویراستار

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.

رده بندی کنگره: ۳۴۱۰ Z

رده بندی دیویی: ۳۴۱

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۹۹۳۳۱

## تحقق حق توسعه در عصر جهانی شدن

تألیف: محمدرضا غائبی

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

هماهنگی امور نشر: بیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: عاطفه قدرتی

صفحه‌آرایی: سحر حسینی صنعتی

## صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

## اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، تلفن فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

## فهرست مطالب

|    |                                                                     |
|----|---------------------------------------------------------------------|
| ۷  | ..... مقدمه                                                         |
| ۱۹ | ..... فصل اول - پیدایش، تکامل و مبانی حق بر توسعه                   |
| ۱۹ | ..... مقدمه                                                         |
| ۲۲ | ..... ۱. ارتباط دادن توسعه و حقوق بشر                               |
| ۲۶ | ..... ۲. نظام نوین اقتصاد بین‌المللی و منشور حقوق اقتصادی دولت‌ها   |
| ۲۹ | ..... ۳. شناسایی رسمی حق بر توسعه                                   |
| ۳۰ | ..... ۴. گزارش دبیرکل ملل متحد در زمینه حق بر توسعه                 |
| ۳۱ | ..... ۵. نشست‌های منطقه‌ای                                          |
| ۳۱ | ..... ۶. تصویب اعلامیه حق بر توسعه                                  |
| ۳۳ | ..... ۱-۶. تحلیل محتوای حق بر توسعه                                 |
| ۳۴ | ..... ۲-۶. تعهدات اجرایی اعلامیه حق بر توسعه                        |
| ۳۸ | ..... ۷. تحولات پس از تصویب اعلامیه حق بر توسعه                     |
| ۳۸ | ..... ۱-۷. مشورت‌های جهانی                                          |
| ۴۰ | ..... ۲-۷. دومین گروه کاری حق بر توسعه و کنفرانس جهانی حقوق بشر وین |
| ۴۱ | ..... ۳-۷. ایجاد پست کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل                 |
| ۴۱ | ..... ۴-۷. گروه کاری کارشناسی بین‌الدولی (سومین گروه کاری)          |
| ۴۲ | ..... ۵-۷. سازوکار پیگیری و چهارمین و پنجمین گروه کاری حق بر توسعه  |
| ۴۴ | ..... ۶-۷. کارشناس مستقل حق بر توسعه                                |
| ۴۴ | ..... ۷-۷. گروه کارشناسان عالی‌رتبه                                 |
| ۴۶ | ..... ۸-۷. گروه کاری حق بر توسعه (۲۰۱۷-۲۰۱۰)                        |
| ۴۷ | ..... ۹-۷. گزارشگر ویژه حق بر توسعه                                 |
| ۴۸ | ..... ۸. سایر اجلاس‌های مهم مرتبط با حق بر توسعه                    |
| ۴۸ | ..... ۱-۸. اجلاس سران هزاره                                         |
| ۴۹ | ..... ۲-۸. اجلاس سران ریو +۲۰ (اهداف توسعه پس از ۲۰۱۵)              |
| ۵۰ | ..... ۳-۸. دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰                               |
| ۵۱ | ..... نتیجه‌گیری                                                    |

## فصل دوم - مفهوم حق بر توسعه در روابط بین الملل از منظر نظریه پسااستعماری..... ۵۳

مقدمه ..... ۵۳

۱. نظریه پسااستعماری ..... ۵۸

۲. مطالعات پسااستعماری و توسعه ..... ۶۲

۳. ارتباط توسعه و حقوق بشر ..... ۶۶

۴. حق بر توسعه به مثابه زبان مقاومت ..... ۷۲

۵. حق بر توسعه به مثابه زبان قدرت ..... ۸۰

## فصل سوم - رویکرد کشورهای در حال توسعه به حق بر توسعه ..... ۸۷

مقدمه ..... ۸۷

شاخصه های رویکرد حق بر توسعه ..... ۹۰

۱. توسعه به عنوان حق بشر، محدودکننده همه حقوق بشر ..... ۹۰

۲. حق بر توسعه به عنوان حق همزمان فردی و جمعی ..... ۹۳

۳. توسعه به عنوان روندی با محوریت برابری و عدالت ..... ۹۶

۴. محوریت و مشارکت انسان و مردم در توسعه ..... ۹۸

۵. اهمیت حق تعیین سرنوشت در حق اشتراک، استقلال و روند توسعه اقتصادی ..... ۹۹

۶. دولت های ملی عهده دار وظیفه اصلی توسعه ..... ۱۰۲

۷. نقش جامعه بین المللی در تحقق حق بر توسعه بر اساس اصل همبستگی ..... ۱۰۴

۸. تدوین سند الزام آور حقوقی در زمینه حق بر توسعه ..... ۱۰۶

نتیجه گیری ..... ۱۱۲

## فصل چهارم - رویکرد کشورهای توسعه یافته به حق بر توسعه و رویکرد حق محور (حقوق بشر محور) ..... ۱۱۷

مقدمه ..... ۱۱۷

۱. شیوه ظهور و تعریف رهیافت حقوق بشر محور ..... ۱۲۱

۲. دلایل اهمیت ارتباط حقوق بشر با توسعه ..... ۱۲۹

۳. مفاهیم اساسی و اصول رهیافت حقوق بشر محور ..... ۱۳۲

۳-۱. تفکیک ناپذیری، غیرقابل تقسیم بودن و وابستگی متقابل تمامی حقوق بشر ..... ۱۳۴

۳-۲. نبود تبعیض و برابری ..... ۱۳۴

۳-۳. مشارکت و توانمندسازی ..... ۱۳۵

۳-۴. پاسخ گویی ..... ۱۳۶

۳-۵. زمامداری مطلوب و دموکراسی ..... ۱۳۷

|          |                                                        |
|----------|--------------------------------------------------------|
| ۱۳۹..... | ۴. بازیگران در رهیافت حق محور.....                     |
| ۱۴۲..... | ۵. میزان پیشرفت رهیافت حق محور.....                    |
| ۱۴۴..... | ۶. انتقادهای، نقاط تعارض و دورنمای رهیافت حق محور..... |
| ۱۴۸..... | ۶-۱. ایراد روش شناسی.....                              |
| ۱۵۰..... | ۶-۲. ایراد مفهومی؛ تقسیم ناپذیری حقوق.....             |
| ۱۵۲..... | ۷. مقایسه رهیافت حق بر توسعه و رهیافت حق محور.....     |
| ۱۵۴..... | نتیجه گیری.....                                        |

## فصل پنجم - تحقق حق بر توسعه در عصر جهانی شدن؛ الزامهای ملی..... ۱۵۷

|          |                                                                         |
|----------|-------------------------------------------------------------------------|
| ۱۵۷..... | مقدمه.....                                                              |
| ۱۵۸..... | تبیین وضعیت حاکم بر روابط بین الملل: جهانی شدن.....                     |
| ۱۵۹..... | ۱. تعریف جهانی شدن.....                                                 |
| ۱۶۰..... | ۲. جهانی شدن و توسعه.....                                               |
| ۱۶۲..... | ۳. توسعه و مشروعیت سیاسی.....                                           |
| ۱۶۳..... | ۴. جهانی شدن، دموکراسی و توسعه.....                                     |
| ۱۹۳..... | ۵. الزامهای ملی تحقق حق بر توسعه.....                                   |
| ۱۹۳..... | ۵-۱. قرارداد اجتماعی معتبر و اصل قبول رای همه از طریق اجماع سازی.....   |
| ۱۹۴..... | ۵-۲. ثبات سیاسی - اقتصادی و دولت کامل و توسعه گرا.....                  |
| ۱۹۵..... | ۵-۳. ضرورت توجه به توسعه سیاسی و ارتقای نامداری دموکراتیک و مناسب.....  |
| ۱۹۶..... | ۵-۴. وجود نظم و فقدان خشونت.....                                        |
| ۱۹۹..... | ۵-۵. ارتباط بین نهادی.....                                              |
| ۲۰۰..... | ۵-۶. توجه به بازار به عنوان نهادی بسیار مهم در تحقق توسعه.....          |
| ۲۰۱..... | ۵-۷. اصلاحات نهادی.....                                                 |
| ۲۰۲..... | ۵-۸. نهادسازی جدید.....                                                 |
| ۲۰۳..... | ۵-۹. بازنگری در تخصیص منابع مالی و انسانی.....                          |
| ۲۰۴..... | ۵-۱۰. ایجاد فضای مناسب برای توانمندسازی مردم (سیاست های بازتوزیعی)..... |
| ۲۰۶..... | ۵-۱۱. تدوین راهبرد و برنامه های اقدام ملی توسعه.....                    |
| ۲۰۸..... | ۵-۱۲. تبیین و تعریف جایگاه قانونی حق بر توسعه.....                      |
| ۲۱۰..... | نتیجه گیری.....                                                         |

## فصل ششم - تحقق حق بر توسعه در عصر جهانی شدن: الزامهای بین المللی..... ۲۱۱

|          |            |
|----------|------------|
| ۲۱۱..... | مقدمه..... |
|----------|------------|

|     |                                                              |
|-----|--------------------------------------------------------------|
| ۲۱۶ | ۱. وضعیت فعلی تحقق توسعه در کشورهای در حال توسعه             |
| ۲۲۶ | ۲. رویکردهای نظری معاصر                                      |
| ۲۳۴ | ۳. رابطه توسعه و سیاست خارجی                                 |
| ۲۳۴ | ۳-۱. مبانی مفهومی                                            |
| ۲۳۴ | ۳-۱-۱. قدرت                                                  |
| ۲۳۶ | ۳-۱-۲. امنیت                                                 |
| ۲۳۷ | ۳-۱-۳. تصویرسازی مثبت و ائتلاف‌سازی                          |
| ۲۳۹ | ۳-۱-۴. فرصت‌سازی                                             |
| ۲۴۰ | ۳-۲. راه‌ردهای عمل‌گرایانه                                   |
| ۲۴۱ | ۳-۲-۱. مکان و قات                                            |
| ۲۴۴ | ۳-۲-۲. دیپلاسی اقتصاد                                        |
| ۲۴۶ | ۳-۲-۳. منطقه‌گرایی                                           |
| ۲۵۰ | ۳-۲-۴. ارتقای نقش بخش خصوصی                                  |
| ۲۵۴ | ۳-۲-۵. تعامل فعال با سازمان‌ها و نهاد های اقتصادی بین‌المللی |
| ۲۵۷ | ۳-۲-۶. حضور در بازارهای مالی و پولی بین‌المللی               |
| ۲۶۰ | ۳-۲-۷. مشارکت در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد                  |
| ۲۶۱ | ۳-۲-۸. بهره‌برداری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی                   |
| ۲۶۱ | ۳-۲-۹. تنش‌زدایی و همکاری بُرد - بُرد امنیتی                 |
| ۲۶۲ | ۴. الزام‌های بین‌المللی                                      |
| ۲۶۲ | ۴-۱. فضای بین‌المللی مساعد                                   |
| ۲۶۳ | ۴-۲. همکاری‌های بین‌المللی                                   |
| ۲۶۴ | ۴-۳. استفاده از ظرفیت سازمان ملل متحد                        |
| ۲۶۵ | ۴-۴. گفت‌وگوها و همکاری‌های شمال - جنوب                      |
| ۲۶۷ | ۴-۵. همکاری‌های جنوب - جنوب                                  |
| ۲۷۳ | نتیجه‌گیری                                                   |
| ۲۷۵ | فصل هفتم - نتیجه‌گیری                                        |
| ۲۹۱ | ضمیمه                                                        |
| ۲۹۷ | فهرست منابع                                                  |

## فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱. عناصر اصلی رهیافت حق توسعه ..... ۱۱۲
- نمودار شماره ۲. ارتباط رهیافت حقوق بشر محور با توسعه ..... ۱۳۲
- نمودار شماره ۳. ویژگی‌های رهیافت حقوق بشر محور ..... ۱۳۹
- نمودار شماره ۴. ارتباط توسعه با دموکراسی و جهانی‌شدن در کشورهای در حال توسعه ..... ۱۶۶
- نمودار شماره ۵. الزام‌های ادغام در اقتصاد جهانی ..... ۱۶۸
- نمودار شماره ۶. ابعاد مختلف جهانی‌شدن ..... ۱۷۵
- نمودار شماره ۷. قانون ژاکت طلایی فریدمن ..... ۱۷۷
- نمودار شماره ۸. الزام‌های ملی تحقق توسعه ..... ۲۰۹
- نمودار شماره ۹. شاخصه‌های توسعه انسانی ..... ۲۱۸
- نمودار شماره ۱۰. شاخص‌های توسعه جامع ..... ۲۱۹
- نمودار شماره ۱۱. پیش‌بینی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۸ ..... ۲۲۱
- نمودار شماره ۱۲. وضعیت تولید ناخالص ملی چین و بخش‌های مختلف آن (۲۰۰۶-۲۰۱۸) ..... ۲۲۲
- نمودار شماره ۱۳. وضعیت تولید ناخالص ملی هند در سه سال گذشته ..... ۲۲۳
- نمودار شماره ۱۴. وضعیت تولید ناخالص ملی برزیل در ده سال گذشته ..... ۲۲۵
- نمودار شماره ۱۵. عناصر راهبرد توسعه ..... ۲۳۲
- نمودار شماره ۱۶. الزام‌های ملی و بین‌المللی حق بر توسعه ..... ۲۷۳
- نمودار شماره ۱۷. اولویت‌های ملی توسعه در زمینه‌های ..... ۲۸۰

## فهرست اشکال و جداول

- شکل شماره ۱. وضعیت دموکراسی در جهان در سال ۲۰۱۷ بر اساس آرایه‌های مجله اکونومیست ..... ۱۶۷
- شکل شماره ۲. وضعیت توسعه انسانی در سال ۲۰۱۸ ..... ۲۱۸
- شکل شماره ۳. وضعیت توسعه جامع در کشورهای جهان در سال ۲۰۱۸ ..... ۲۲۱
- شکل شماره ۴. وضعیت اقتصادی در مناطق مختلف جهان در سال ۲۰۱۸ ..... ۲۲۵
- جدول شماره ۱. مقایسه رهیافت‌های مختلف نسبت به توسعه ..... ۱۲۶
- جدول شماره ۲. رتبه‌بندی وضعیت توسعه جامع در کشورهای جهان در سال ۲۰۱۸ ..... ۲۲۰

منشور ملل متحد به عنوان پیمان نامه جامعه جهانی، توسعه را در کنار صلح و امنیت بین المللی و حقوق بشر را به عنوان یکی از سه ستون اصلی ملل متحد شناسایی کرده است. از دهه ۱۹۷۰، مطالبه توسعه به عنوان حقی بشری به طور رسمی توسط کشورهای در حال توسعه آغاز شد. در دهه ۹۸۰ و در اثر مساعی این دسته از کشورها، اعلامیه سازمان ملل متحد در زمینه حق بر توسعه در سال ۱۹۸۶<sup>۱</sup> به تصویب مجمع عمومی این سازمان رسید.<sup>۲</sup> به دنبال این امر، در سال ۱۹۹۳ حق بر توسعه به عنوان حقی بشری در اعلامیه و برنامه عمل دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مورد شناسایی قرار گرفت.<sup>۳</sup> در پی این موضوع، عناصر ضروری نظم اقتصادی جدید بین المللی<sup>۴</sup> در ابعاد مختلف به ویژه در قالب مجموعه عناصر حق بر توسعه، ظهور و بروز یافت و این موضوع توسعه کشور ای در حال توسعه به جریان اصلی بحث های بین المللی با عنوان توسعه برابر و الزام همکاری، برای تحقق آن در سطح جامعه بین المللی، تبدیل شد. همچنین طی سالیان گذشته، حق بشری توسعه در دکتین حقوقی، در کنار حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم<sup>۵</sup> و حق بر تعیین سرنوشت<sup>۶</sup> به عنوان نسل سوم حقوق بشر یا حقوق دسته جمعی یا حقوق همبستگی<sup>۷</sup>، مورد شناسایی قرار گرفته است. در دهه گذشته نیز کشورهای عضو ملل متحد با تشکیل گروه کاری بین الدولی حق بر توسعه<sup>۸</sup> در سال ۱۹۹۸ و تصویب اهداف هشت گانه هزاره توسعه<sup>۹</sup> در سال ۲۰۰۰، خود را متعهد کردند تا حق بر توسعه را به واقعیتی برای همه تبدیل کنند.<sup>۱۰</sup> در بیانیه پایانی نشست سران ملل متحد در سال ۲۰۰۵ در

1. 1986 United Nations Declaration on the Right to Development

2. GA/41/128

3. UN General Assembly. Vienna Declaration and Programme of Action, 12 July 1993. A/CONF. 157/23

۴. مواد ۱۰، ۱۱، ۷۲ و ۷۳ اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳

5. New International Economic Order (NIEO)

6. Right to Peace

7. Right to Healthy Environment

8. Self-Determination

9. Human Rights Third Generation=Collective Rights=Solidarity Rights

10. The Intergovernmental Working Group on the Right to Development

11. United Nations Millennium Development Goals (MDGs) (A/Res/55/2)

۱۲. ماده ۲۴ اعلامیه اهداف هزاره:

کپنهاگ نیز تأکید شد: «ما تأیید می‌کنیم صلح و امنیت، حقوق بشر و توسعه، ستون‌های اصلی نظام ملل متحد بوده و مبنایی برای امنیت دسته‌جمعی و رفاه هستند. ما تصریح می‌داریم توسعه، صلح و امنیت و حقوق بشر، به هم مرتبط بوده و همدیگر را تقویت می‌کنند». به علاوه، آن‌ها با تلاش برای تقویت موضوع حق بر توسعه و اجرای آن در دستور کار بعد از سال ۲۰۱۵ برای توسعه پایدار<sup>۱</sup> و به تازگی دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار<sup>۲</sup>، مصوب اجلاس سران ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ که از اول ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی شد و ۱۷ هدف کلان را برای رسیدن به توسعه پایدار مشخص می‌کند، کوشیده‌اند تا حقوق بشر، توسعه و صلح و امنیت در جهان متغیر و شکننده امررین را که مملو از وابستگی متقابل بین کشورها است، بهبود بخشند.

با وجود این، موضوع حق بر توسعه، پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از تصویب اعلامیه حق بر توسعه، همچنان یکی از ساقط‌ترین انگیزترین مفاهیم رایج در مباحث حقوق بشری در روابط بین‌الملل و همچنین مباحث مربوط به توسعه باقی مانده است؛ به طوری که چندین دهه است که مناقشه‌ای دوقطبی را بین کشورهای محققان و بازیگران مرتبط به وجود آورده که حاوی تناقض‌ها و تقابل‌های آشکاری است. در این راستا عمده مباحث علمی و سیاسی اخیر در این زمینه بر دو موضوع اصلی متمرکز بوده است. یک منازعه بر سر مفهوم‌سازی و چارچوب‌بندی توسعه به عنوان حق بشری بین کشورهای شمال و غرب و کشورهای غربی و غیرغربی است که فضایی دوقطبی را ایجاد کرده و سبب برگزیدن مواضع سیاسی متقابل نیز شده است.

در واقع، ظهور و بروز ایده شکل‌گیری چنین حقی برخاسته از منافع ناپایداری بود که در پرتو مطالبه نظم اقتصادی بین‌الملل جدید، پس از دوران استقلال‌طلبی و استعمارزدایی در کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت و به دنبال خود مباحث گسترده و داغی را بین کشورها، صاحب‌نظران و فعالان عرصه توسعه بر سر این امر پدید آورد که آیا چنین حقی از منظر هنجاری وجود دارد یا نه. (Hohenveldern, 1989: 4) حاصل چنین بحثی بیش از آنکه منجر به ارتقای فهم بهتر از رابطه بین حقوق بشر و توسعه باشد، آشکارتر شدن خط فاصل فکری بین شمال و جنوب بود. در حقیقت، از منظر کشورهای در حال توسعه، هدف اصلی حق بر توسعه، ایجاد نظامی بین‌المللی بود که در آن تمامی حقوق بشر برای همه

افراد و مردم قابل تحقق باشد که مستلزم آن است که هر فرد یا گروه در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت داشته باشد، به تحقق آن کمک کند و از منافع آن نیز بهره‌مند شود؛ چنان‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر اذعان می‌دارد «هر فردی سزاوار نظم اجتماعی و بین‌المللی است که در آن حقوق و آزادی‌های مصرح در این اعلامیه به تمامی تأمین و عملی شود»<sup>۱</sup>.

موضوع جدیدتر مربوط می‌شود به مشکلاتی که در راه اجرای حق بر توسعه، به‌رغم روند روبه‌رشد پذیرش حق بر توسعه در دو دهه گذشته به وجود آمده است. امری که سبب شده تا منتقدان به‌طور کلی ارزش عملی تقویت مباحث حقوق بشری در این زمینه را زیر سؤال ببرند. (Donnelly, 1985: 473 & Nuscheler, 1990: 59) بر این اساس، به‌رغم تصویب اعلامیه حق بر توسعه، اجلاس‌های متعدد گروه کار حق بر توسعه و مصوبه‌های متعددی از کنفرانس‌های مهم جهانی در اشاره قرار گرفتند و بسیاری از نشست‌های سران کشورها به این موضع پرداخته و روند تنجاسازی و قاعده‌سازی در این زمینه را تکمیل‌تر کردند. میزان اجرای حق بر توسعه از دهه هفتاد تاکنون، رد بحث، بررسی و اختلاف وسیع بین دو دسته از کشورها بوده و موافقان و مخالفان جدی داشته‌اند. مخالفان چنین حقی، مفهوم حق بر توسعه تصریح شده در اعلامیه را مبهم دانسته و معتقدند این مسئله سبب شده است که تأثیر عملی مؤثری در سطوح داخلی و بین‌المللی در زمینه موضوعات توسعه و رفاه نداشته باشد. آن‌ها معتقدند فقدان سازوکارهای قوی و لازم‌الاجرا در این زمینه و فقدان اجماع و اراده سیاسی نزد طرف‌های مهم (کشورهای توسعه‌یافته) برای اجرایی شدن چنین حقی سبب شده است تا به‌رغم گذشت چندین دهه از آغاز این بحث، به‌دلیل استمرار وجود فقر، بی‌عدالتی و رقعه ماندگی اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و شکاف عمیق بین این کشورها با کشورهای توسعه‌یافته، رویکرد حق بر توسعه شکست خورده و قادر نباشد تا اهداف خود را محقق سازد. (Alston, 2005: 755-798 & Mutua, 2007: 547-564) چنان‌که که یاش‌گای، محقق حقوقدان معتقد است «حق بر توسعه تأثیر اندکی بر حقوقدانان قانون‌نویس، دانشمندان سیاسی و فعالان حقوق بشری داشته است» (Ghai, 2006: 21) پیتر یو وین، دانشمند علوم سیاسی

ارزیابی خود را روشن تر بیان می کند: «در واقع حق بر توسعه بیشتر یک پیروزی بود که دیپلمات‌ها جشن گرفتند، جنوب حق بر توسعه خود را به دست آورد، در حالی که جهان اول مطمئن شد این حق به طوری تفسیر خواهد شد که بر حقوق مدنی و سیاسی پیشی نگیرد، هیچ گاه کاملاً الزام آور نشود و هیچ گونه تعهدی برای انتقال منابع ایجاد نکند». او نتیجه می گیرد «تأیید اینکه همه مردم از حق بر توسعه برخوردارند و این توسعه شامل همه حقوق بشر موجود شده، از طریق محقق شدن آن‌ها تحقق می یابد، چیزی بر دانش ما نمی افزاید، بلکه تنها چیزی که اضافه می کند، سخن پردازی و درازگویی است که تعجبی هم ندارد که هیچ جنبش اجتماعی یا سیر اجتماعی را در سازمانی عمده برنمی انگیزد و تعجبی نیست اگر در برخی کمیته‌های فرعی گ نام، مابون شود». (Uvin, 2004: 33)

از سوی دیگر اختلاف نظر در زمینه اجرای حق بر توسعه موجب شده است که برخی معتقد شوند این امر بخشی از مناظره بین‌المللی در زمینه حقوق بشر است که هنوز وارد عرصه عملی نشده و دولت‌ها تنها به حمایت لفظی از آن تمایل دارند. برخی نیز معتقدند حق بر توسعه ادعایی سیاسی بوده و تا به حال تأثیر محاسبات بر عملکرد توسعه‌ای دولت‌ها داشته است؛ (Ibhawoh, 2011: 3) در مجموع، واقعیت این است که اجرایی شدن حق بر توسعه با موانعی از جمله مبانی معرفت‌شناسی و نظری و تجربی آن، مراجع سیاسی ناهمگون کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، موانع ساختاری، مشکلات ناشی از سیاست‌گذاری‌ها در خط‌مشی‌های ملی و بین‌المللی و دست نیافتن به فناوری روبه‌رو است. بدیهی است موانع اجرای حق بر توسعه ایستا نیستند و ما در عمل برای اجرای حق بر توسعه نیاز به شناسایی ریشه‌های ساختاری، ریشه نابرابری‌ها و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های عادلانه و پایدار خواهیم داشت.

چنین نتیجه‌گیری‌هایی بر این مفروض استوار شده است که ارزش مبحث حق بر توسعه تنها از طریق نتایج ملموس مانند تصویب یک کنوانسیون بین‌المللی لازم‌الاجرا یا تشکیل سازوکارهای اجرایی مؤثر قابل ارزیابی است، ولی آنچه اغلب فراموش می‌شود، نتایج غیرملموس این مبحث است که تاکنون موجب روشن شدن مفهوم حق بر توسعه، تضارب آرای اندیشمندان، به چالش کشیده شدن افکار رادیکال و روند اجماع‌سازی در زمینه موضوعات کلیدی مرتبط شده است که دستاوردهای بسیار مهمی در جهت تکمیل روند اجرایی شدن حق بر توسعه به شمار می‌آیند. در نمایی کلی‌تر، بسیاری از محققان و صاحب‌نظران این عرصه، با

تمرکز بر مبانی حقوقی و لازم‌الاجرا بودن، سایر ابعاد مهم بحث حق بر توسعه را که در حال شکل‌دهی به تحرکات بین‌المللی حقوق بشری است، نادیده گرفته‌اند.

در مجموع و در بُعد نظری، اکنون شاهد دو رویکرد اصلی در این زمینه هستیم:<sup>۱</sup>

۱. رویکرد حقوق بشر محور<sup>۲</sup> که توسط کشورهای توسعه‌یافته نمایندگی می‌شود. این رویکرد، ریشه در تفکرات لیبرالیسم فرد محور دارد که ضمن رد حقوق جمعی و حق مردم، مدعی است حق بر توسعه با مفهوم بازار آزاد و ساختارهای نئولیبرال سرمایه‌داری اقتصاد جهانی همخوانی ندارد و باید با نگاه فرد‌گرایانه به حقوق بشر نگرسته شود. از این منظر، باید انواع حقوق بشری اعم از سیاسی و مدنی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بر اساس اصول پاسخ‌گویی، توانمندسازی، مشارکت، شفافیت، زمامداری مطلوب، حاکمیت قانون، نبود تبعیض و توجه به آسب‌پذیر در برنامه‌های توسعه انسانی پایدار<sup>۳</sup> مندرج شوند. این رویکرد اعتقاد عمیقی دارد که مسئولیت اصلی تحقق توسعه بر عهده دولت‌های ملی است و نه جامعه بین‌المللی؛ از این رو، خواستار تغییرات ساختاری سیاسی و اقتصادی ملی در کشورهای در حال توسعه، به‌منظور تحقق حق بر توسعه هستند و در برابر تغییرات در سازوکارهای تجارت و مالیه جهانی مقاومت می‌کنند.

۲. رویکرد حق بر توسعه<sup>۴</sup> که توسط کشورهای در حال توسعه مطرح و پیگیری می‌شود. این رویکرد، توسعه را به‌خودی خود حقی می‌داند که به‌طور حقی جمعی متعلق به همه افراد و مردم است. بر این اساس، توسعه‌نیافتگی کشورهای در حال توسعه، ناشی از سابقه استعمار توسط کشورهای توسعه‌یافته غربی است و باید از طریق کم‌توسعه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی، این عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه را جبران کنند؛ در نتیجه، نیاز به یک فضای بین‌المللی مساعد و عادلانه، نظم جدید اقتصادی بین‌المللی با مشارکت بیشتر کشورهای در حال توسعه و یک چارچوب حقوقی الزام‌آور برای تحقق حق بر توسعه هستیم که کشورهای صنعتی را مجبور به انتقال سرمایه و تکنولوژی، کمک به کشورهای در حال توسعه، بخشش بدهی‌های آن‌ها و ایجاد سیستم تجارت جهانی منصفانه‌تر برای تحقق توسعه کند.

۱. البته رویکردهای نظری دیگری نیز وجود دارند که از زوایای مختلف دیگری به این مسئله نگاه کرده‌اند.

2. The Human Rights-based Approach

3. Sustainable Human Development

4. The Right to Development Approach